

دعای روز بیست و نهم

اللَّهُمَّ غَشَّنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ وَأَرْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَالْعِصْمَةَ وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غِيَاهِبِ
التُّهْمَةِ يَا رَحِيمًا بَعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ:

خدایا در این روز مرا به رحمت خود بپوشان و توفیق و عصمت (طاعت). خدایا
قلبم را از تیرگی‌های تهمت، پاک کن. ای خدای بخشایشگر بر اهل ایمان.

فقره اول: غرق گشتن در رحمت خدا

اللَّهُمَّ غَشَّنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ: خدایا در این روز مرا به رحمت خود بپوشان.
در ابتدای دعای امروز از خداوند می‌خواهیم ما را غرق رحمت و مهر خویش کند
و رحمت خود را شامل حال ما گرداند و ما را با آن بپوشاند و سراسر وجودمان را به
رحمت الهی بپوشاند. چرا که اگر خداوند اراده کند که نعمتی از رحمت خود نصیب
کسی بکند؛ هیچ‌کس نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد و اگر هم خواسته باشد از کسی
رحمتش را دریغ کند و برخوردارش نکند، همه عالم نمی‌توانند آن را به او برسانند.
«مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»^۱ هر رحمتی را خدا به روی مردم بگشاید، کسی نمی‌تواند جلو آن
را بگیرد و هر چه را امساک کند، کسی غیر از او قادر به فرستادن آن نیست و او عزیز
و حکیم است.

یکی از بارزترین صفات الهی، صفت رحمت اوست؛ رحمتی که در قرآن کریم با
عناوین گوناگونی توصیف شده است و خدا خود را با آن صفت معرفی کرده است. در
بسیاری از آیات قرآن نیز خداوند خود را با صفت ذوالرحمه؛ یعنی صاحب رحمت
معرفی می‌فرماید. خداوند رحمت خود را بر خویش لازم و واجب کرده و آن را حتی
بر خشم و غضبش پیشی داده است.

در دعای جوشن کبیر می‌خوانیم: «يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ»: ای کسی که رحمت
او از خشم او پیشی گرفته است.

رحمت فراگیر الهی

این ماهی که در آن قرار داریم (یعنی ماه رمضان)، ماهی است که به ماه رحمت الهی معروف است. در این ماه خداوند نظر رحمت خود را بر تمام بندگان خود می‌افکند و این بدان معنی نیست که در ماه‌های دیگر رحمت الهی وجود ندارد؛ بلکه منظور این است که در این ماه رحمت الهی بر بندگان خود بی‌حد وسیع است؛ به طوری که این ماه به ماه میهمانی خدا نیز معروف است، چنانچه در دعاهایی هم که در ماه مبارک رمضان می‌خوانیم، می‌گوییم:

«اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ»: خدایا هر فقیری را غنی فرما.

«اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ»: خدایا هر گرسنه‌ای را سیر فرما و... .

که این نشان‌دهنده آن است که در این ماه، رحمت خداوند فقط شامل مسلمانان نیست؛ بلکه شامل هر بنده‌ای که در دنیا زیست دارد، می‌باشد؛ زیرا همه از فرزندان آدم ابوالبشر هستیم و باید به یک دین واحد آن هم اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روی آوریم که با توجه به این رحمت واسعه الهی، ما نیز در این روز از خداوند خواستاریم رحمت خودش را بر سرتاسر جسم و جان ما بپوشاند؛ یعنی سراسر اطراف ما را رحمت فرا گیرد.

اما برای اینکه ما شامل رحمت الهی بشویم، شرایطی دارد و آن شرایط عبارتند از:

۱. ایمان و عمل صالح:

به طور قطع کسی مشمول رحمت خاص الهی می‌شود که ایمان و عمل صالح را توأم با هم داشته باشد:

«فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ»: اما آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند، آنها را خدا در رحمت خود داخل سازد که آن سعادت آشکاری است.

۲. اطاعت و پیروی از رسول خدا:

خداوند متعال در آیه ۱۳۲ سوره آل عمران می‌فرماید:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»: از حکم خدا و رسول او فرمان برید، باشد که مشمول رحمت و لطف خدا شوید.

همچنین خداوند به کسانی که به او ایمان آورده و از رسولش پیروی نموده و به قرآن کریم که سراسر نور است، متمسک شوند، رحمت واسعه خود را ارزانی داشته و از فضل و رحمتش بر پاداش آنان می‌افزاید و به صراط مستقیم هدایت‌شان می‌کند:

«فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا»^۱.

۳. دوست داشتن حضرت علی علیه السلام

از جمله راه‌های جلب رحمت الهی، دوست داشتن حضرت علی علیه السلام می‌باشد و درهای رحمت الهی را می‌گشاید.

«أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَأَجْرَىٰ عَلَىٰ لِسَانِهِ الصَّوَابَ وَفَتَحَ اللَّهُ لَهُ أَبْوَابَ الرَّحْمَةِ»^۲: آگاه باشید کسی که علی را دوست بدارد، خداوند حکمت را در قلب او ثابت می‌گرداند و بر زبانش جاری می‌سازد و درهای رحمت را برای او باز می‌کند.

۴. ترک گناه :

یکی از راه‌های جلب رحمت الهی، همان‌گونه که قرآن کریم از قول حضرت صالح علیه السلام بیان می‌کند، این است که انسان در برابر گناهان و زشتی‌ها از خود صبر و تقوی نشان داده و با عجله به سمت گناه پیش نرود و از خداوند تقاضای عذاب و ناپودی خود را ننماید؛ بلکه در خواست آمرزش نموده تا شاید مورد لطف و رحمت خدا واقع شود:

«قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۳.

۵. توبه و استغفار:

از جمله راه‌های جلب رحمت الهی، توبه و طلب مغفرت و آمرزش می‌باشد. این افراد مؤمن که توبه می‌کنند، مورد عنایت ملائکه واقع شده تا جایی که حاملان عرش الهی برای آنان طلب آمرزش نموده و می‌گویند:

۱. نساء: ۱۷۵.

۲. بحارالانوار؛ ج ۶۵، ص ۱۲۵.

۳. نمل: ۴۶.

«رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ»^۱ پروردگارا رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته، تو از گناهان آنها با خبر و نسبت به آنها رحیمی؛ پس خداوندا! آنها را که توبه کرده‌اند و در مسیر تو گام برمی‌دارند ببخش و آنها را از عذاب جهنم نگاه دار و آنها را در باغ‌های جاویدان بهشت که به آنها وعده فرمودی، داخل نما.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«التَّوْبَةُ تَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ»^۲ توبه باعث نزول رحمت خداوند می‌شود.

۶. عمل به آیات قرآن:

گوش دادن به تلاوت قرآن از دیگر عوامل جلب رحمت الهی است:

«وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ اَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۳

«و کسانی که از این کتاب الهی تبعیت نمایند و به آیاتش عمل کنند، مورد رحمت واقع می‌شوند»^۴.

بنابراین شایسته است که مؤمن در هنگام شنیدن تلاوت قرآن، بادقت و تدبر سکوت کند.

۷. اقامه نماز:

همچنین اقامه نماز، نمازی که رمز پیوند مخلوق با خالق خویش را بیان می‌کند و پرداخت زکات نشانه پیوند با خلق خدا و در مجموع اطاعت و فرمانبرداری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از عوامل جلب رحمت الهی بیان شده است:

«وَ اَقِمْوا الصَّلَاةَ وَ اتُوا الزَّكَاةَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۵

۸. صبر:

از جمله راه‌های جلب رحمت خداوند، صبر در برابر مصائب زندگی و حرکت در مسیری که انسان را به سر منزل مقصود برساند، می‌باشد. حیات انسان، ماهیتی از اویسی و به سوی اویسی دارد و در مسیر زندگی برای آزمایش و امتحان انسان‌ها، مصائبی نیز

۱. مؤمن: ۸.

۲. تصنیف غررالحکم ودررالكلم؛ ص ۱۹۵.

۳. اعراف: ۲۰۴.

۴. انعام: ۱۵۵.

۵. نور: ۵۷.

مقدر شده است؛ بنابراین کسانی که بر این ابتلائات و امتحانات صبر کنند، مورد رحمت و لطف پروردگارشان قرار می‌گیرند:

«وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ، الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، أُولَئِكَ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ»^۱ به صبرکنندگان بشارت بده. آنها که هرگاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند: "ما از آن خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم!" است. اینها همان‌ها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده است.

۹. عدل و انصاف:

از جمله راه‌های جلب رحمت الهی، عدل و انصاف در بازار مسلمین و پرهیز از رباخواری است. گناهی که بلای خانمان سوز بازار مسلمین به شمار می‌رود و متأسفانه در بخشی از بازار ما و بعضی از بانک‌های ما بسیاری از موارد، قراردادهای و معاملات ربوی می‌باشد که خود موجب بسته‌شدن درهای رحمت خداوند می‌گردد.

قرآن کریم مؤمنین را مخاطب ساخته و می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ، وَ اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ، وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۲.

۱۰. عفو و بخشش:

از جمله راه‌های جلب رحمت الهی، عفو بخشش می‌باشد.

مولای متقیان حضرت علی علیه السلام فرمود:

«بِالْعَفْوِ تُسْتَنْزَلُ [تَنْزِلُ] الرَّحْمَةِ»^۳ با «عفو و بخشش»، رحمت الهی نازل می‌شود.

۱۱. ترحم:

از جمله راه‌های جلب رحمت الهی، ترحم به دیگران می‌باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«بِبَدْلِ الرَّحْمَةِ تُسْتَنْزَلُ الرَّحْمَةُ»^۴ با عطف و ترحم به دیگران، رحمت الهی نازل

می‌شود.

چندین سال قبل در اصفهان قحطی شدیدی رخ داده بود و مردم از گرسنگی یا تلف می‌شدند و یا مجبور بودند حتی جانوران حرام را مصرف کنند. مرحوم میرزا هاشم

۱. بقره: ۱۵۷.

۲. آل عمران: ۱۳۰ - ۱۳۲.

۳. تصنیف غررالحکم و دررالكلم؛ ص ۲۴۶.

۴. همان.

قزوینی شنیدند که در بیرون اصفهان شخصی شتری را ذبح کرده است و به هر نفر، چند گرم گوشت شتر می‌دهد. این عالم بزرگوار نیز در صف گیرندگان اندک گوشت شتر قرار می‌گیرند و سهم خود را دریافت می‌کنند.

در حال بازگشت به اصفهان، زنی مسیحی فقیر به همراه دو بچه که بر روی زانوانش خوابیده بودند را می‌بیند که دو طفل از شدت گرسنگی توان نفس‌کشیدن را ندارند و در آستانه مرگ قرار گرفته‌اند. زن نگاه ملتمسانه‌ای به میرزاهاشم قزوینی می‌کند و میرزا به او می‌گوید: صبر کن، الان به تو کمک خواهم کرد. به حجره خود وارد می‌شوند و گوشت سهم خود را پخته و برای این زن مسیحی و بچه‌هایش می‌آورد و آنها را از مرگ نجات می‌دهند.

این عالم متدین با حالت گرسنگی به اتاق خود برمی‌گردند. در همین حال شخصی یک بچه بزرگ از نان روغنی کم‌نظیر را برای او می‌آورد. میرزاهاشم از آن شخص سؤال می‌کند: چه کسی این نان‌ها را فرستاده است؟ او جواب می‌دهد: کسی که چرخ و فلک به دست اوست، به یاد شماست. وقتی به دنبال آورنده نان می‌رود، او را پیدا نمی‌کند و نان‌ها را بین طلاب تقسیم می‌کند.

۱۲. طلب رحمت برای مردم:

درخواست رحمت از خداوند برای مردم، موجب نزول رحمت الهی است.

امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«أَبْلَغُ مَا تُسْتَدَرُّ بِهِ الرَّحْمَةُ أَنْ تُضْمَرَ لِجَمِيعِ النَّاسِ الرَّحْمَةُ»^۱ رساترین چیزی که رحمت الهی را فرود می‌آورد، این است که در دل خود برای جمیع مردم رحمت بخواهی. [حتی برای کفار غیر حربی، از خداوند طلب کنی تا خداوند آنها را هدایت کند].

اگر انسان برای جمیع انسان‌ها خیرخواه شد؛ حتی برای دشمنان تا آنها تغییر کرده و توبه کنند، این عمل باعث فرود آمدن رحمت الهی می‌شود.

۱۳. اصلاح میان برادران دینی و حل اختلافات مسلمانان و رعایت تقوا:

اصلاح میان برادران دینی و حل اختلافات مسلمانان و رعایت تقوا علت رسیدن رحمت حضرت حق به انسان است:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۱ به حقیقت، مؤمنان همه برادر یکدیگرند؛ پس همیشه بین برادران خود را صلح دهید و پرهیزکار باشید. باشد که مورد لطف و رحمت الهی گردید.

۱۴. نرم‌خویی با مردم:

خوش‌رفتاری و مهربان‌بودن با مردم و به کارگیری اخلاق حسنه و صفات حمیده، علامت اتصال انسان به رحمت خاص حضرت حق است:
«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»: مرحمت خدا تو را با خلق، مهربان و خوش‌خوی گردانید و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، مردم از گرد تو متفرق می‌شدند.

۱۵. مصافحه و معانقه با مؤمن و علاقمندی نسبت به او:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وقتی دو مؤمن با یکدیگر دیدار کرده، دست می‌دهند [مصافحه]، خداوند رحمتی بر آنها فرو می‌فرستد که نود و نه قسمت آن برای کسی است که رفیقش را بیشتر دوست می‌دارد و اگر در دوستی یکی بودند، رحمت آنان را در بر می‌گیرد»^۲.

در حدیثی دیگر می‌فرماید: «وقتی دو مؤمن همدیگر را در آغوش می‌گیرند [معانقه]، رحمت خدا آنان را فرا می‌گیرد و چون بر آن مداومت کنند و جز برای خدا و نه هدفی دنیایی انجام دهند، به آنان گفته می‌شود: شما آمرزیده شدید، از سر گیرید اعمالتان را»^۳.

و در یک جمله می‌توان گفت: تمسک حقیقی به دو ثقل قرآن و اهل بیت علیهم السلام، انسان را به رحمت الهی خواهد رساند.

فقره دوم: درخواست توفیق

وَارْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَالْعِصْمَةَ:

و توفیق (طاعت) و حفظ از گناهان را روزی فرما.

با دانستن اینکه رحمت خداوند چیست و چه چیزی رحمت خدا را نازل می‌کند؛ شامل رحمت او نمی‌شویم؛ بلکه باید آنها را در زندگی جاری بکنیم. به همین دلیل فوراً از خداوند طلب توفیق الهی می‌کنیم و عرض می‌کنیم:

۱. حجرات: ۱۰.

۲. اصول کافی؛ ج ۳، ص ۴۰۷، ح ۱۴.

۳. همان؛ ص ۴۱۳، ح ۲.

وَارْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَالْعِصْمَةَ:

و در این روز توفیق و پرهیز از گناهان را روزیم فرما

توفیق یافتن بر ترک گناه

توفیق در لغت به معنای سوق‌دادن اسباب به سوی مطلوب خیر است و در تمام امور خیر انسان باید توفیق انجام آن را از خدای متعال درخواست نماید و همان‌گونه که انبیاء الهی به ما تعلیم داده‌اند، جز به او تکیه نکنیم و به غیر او توکل ننماییم:

«وَمَا تُوفِّقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ»^۱.

منظور از توفیق چیست؟

در این دعا منظور از توفیق همان موفقیتی است که خداوند نصیب انسان می‌گرداند تا در راه اطاعت و بندگی او قدم بردارد و یا به قولی دیگر منظور از توفیق همان ذکر شریف: «لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم»: نیست چرخش و قوتی مگر [به قدرت و فرمان] خداوند بلند مرتبه بزرگ.

به طوری که انسان هیچ عملی را نمی‌تواند انجام دهد مگر اینکه خداوند او را نیرو و قوت بخشد و در امور او را موفق بدارد؛ چرا که خداوند خالق تمام موجودات عالم است و بر هر چیزی احاطه دارد و بر هر چیزی قادر است.

ماجرای «می‌شود» و «نمی‌شود»

حج‌الاسلام والمسلمین قرآنی نقل می‌کرد: در سفر مکه شخصی برای انجام مناسک حج، با من به جده عربستان آمد و در شهر جده و در نیم ساعتی به شهر مکه، دیوانه شد و از همان جا به ایران برگردانده شد. این شخص با اینکه اجتهاد و کوشش در مقدمات حج انجام داده بود؛ ولی توفیق از او سلب شد که بتواند اعمال حج را به جا بیاورد!

شخصی برای رفتن به حج، مدارک خود را خدمت رئیس وقت سازمان حج می‌آورد تا او موافقت کند و به حج برود. رئیس سازمان حج به دلیل اینکه مدارک آن شخص ناقص بود، پایین ورقه می‌نویسند: «موافقت نمی‌شود»؛ اما وقتی که رئیس سازمان حج به مکه می‌روند، می‌بینند همان شخصی که با آمدن او به حج موافقت نکرده بود، در مکه است. با تعجب از او می‌پرسد: تو چگونه به حج آمدی؟ در حالی که من با درخواست شما موافقت نکرده بودم. آن شخص جواب می‌دهد: خود شما نوشته بودید: «موافقت

می‌شود». رئیس سازمان حج ادعای او را قبول نمی‌کند و بعد از مراجعت به ایران وقتی که مدارک او را بررسی می‌کند، می‌بیند نوشته شده است: «موافقت نمی‌شود»؛ ولی وقتی که امضا کردند، خط امضاء، روی «نون» نمی‌شود قرار گرفته است و «نمی‌شود» را به «می‌شود» تغییر داده است.

توفیق عصمت

توفیق عصمت از خداوند از جمله توفیقاتی است که نصیب انسان‌های برگزیده مثل پیامبران و اولیای الهی می‌شود. خداوند در مورد حضرت یوسف علیه السلام از زبان او می‌فرماید:

«وَمَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۱
 من هرگز خودم را تبرئه نمی‌کنم که نفس [سرکش] بسیار به بدی‌ها امر می‌کند؛ مگر آنچه را پروردگارم رحم کند! پروردگارم آمرزنده و مهربان است.

یا در آیه ۲۴ سوره یوسف می‌فرماید:

«وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ»: آن زن قصد او کرد؛ و او نیز اگر برهان پروردگار را نمی‌دید، قصد وی می‌نمود! این چنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم؛ چرا که او از بندگان مخلص ما بود.

لام در کلمه لقد، لام توطئه و قسم است؛ یعنی سوگند.

اگر برهان خدایش را ندیده بود، یوسف گرایش به زلیخا پیدا می‌کرد. دیدن برهان، باعث شده است عصمت حضرت یوسف حفظ شود.

حضرت یوسف وقتی در دام زلیخا افتاد، کوشش کرد که از آن دام بگریزد و با کوشش خود، توفیق الهی را نصیب خود کرد. توفیق الهی این بود که قفل‌ها گشوده شد. از یک طرف حضرت یوسف تلاش کرد که از آن دام فرار کند و از طرف دیگر توفیق الهی را نصیب خود کرد.

طبق روایات و عقاید اسلامی، توفیق انجام تمام اعمال صالح و کارهای خوب، توفیق بندگی و عبادت و اطاعت و عمل به دستورات الهی از طرف خداست و ما باید همواره از خداوند این توفیقات الهی و پرهیز و خودداری از گناهان و معاصی و نافرمانی و سرپیچی از دستورات الهی را امروز از خداوند می‌خواهیم.

اگر بخواهیم خداوند رحمتش را شامل ما کند، باید موفق به انجام عبادات بشویم و از معاصی و نافرمانی بپرهیزیم و از افتادن به گناه خود دار باشیم.

منظور از والعصمه چیست؟

همان‌طور که توضیح داده شد انسان در هیچ کار خیری موفق نمی‌گردد؛ مگر اینکه خداوند او را یاری نماید و در اینجا منظور از «العصمه» نوعی از توفیق الهی است که در این نوع آن از خداوند خواستاریم ما را از انجام معاصی و گناهانش مصون و محفوظ بدارد؛ چرا که هر بلا و مصیبتی که بر انسان وارد می‌شود، از گناهی است که مرتکب می‌گردد. ما نیز در این روز از خداوند می‌خواهیم به ما توفیق طاعت و بندگی عطا نموده و از انجام گناهان و معاصی مصون و محفوظ بدارد.

زمینه‌ها و عوامل توفیق

آنچه که زمینه‌ساز توفیق و عامل موفقیت انسان می‌شود، زیاد است که اکنون به برخی اشاره می‌کنیم:

۱. یاری و نصرت الهی:

امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال از معنای «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» فرمود:
«لَا حَوْلَ لَنَا عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ، وَلَا قُوَّةَ لَنَا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ إِلَّا بِتَوْفِيقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۱؛ ما قدرت روی گرداندن از معصیت خدا نداریم؛ مگر به یاری خدا و توانایی بر طاعت خدا نداریم، مگر با توفیق خدا.

۲. جذب‌ه الهی:

انسان مؤمن در سایه عنایت و یاری خدا زندگی می‌کند و در پرتو ایمان و عمل صالحش، توفیق الهی را بیش از پیش جلب و جذب می‌نماید.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«التَّوْفِيقُ مِنْ جَذَبَاتِ الرَّبِّ»^۲؛ توفیق، از جذب‌ه‌های پروردگار است.

۳. هدایت‌خواهی و هدایت‌پذیری:

مؤمنان صالح، هدایت‌خواه و هدایت‌پذیرند و خدا نیز به هدایت و توفیقشان می‌افزاید. آن‌چنان که در قرآن می‌فرماید:

۱. التوحید؛ ترجمه محمد علی سلطانی؛ ص ۳۷۱، باب ۳۵، ح ۳.

۲. غررالحکم و درر الکلم؛ ج ۱، ص ۲۰۳.

«وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى»^۱: کسانی که قبول هدایت کنند، خداوند هدایت آنها می‌افزاید.

۴. غنیمت‌دانستن فرصت‌های معنوی:

اگر از فرصت‌های معنوی به خوبی بهره‌مند شویم، فرصت‌های توفیق‌آمیزِ بهتر و پربارتری را فراروی خود خواهیم داشت. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ تَفَحَاتٍ إِلَّا فَتَعَرَّضُوا لِتَفَحَاتِهِ»^۲.

در گردش ایام و سیر زمان، گاهی نسیم‌های معنوی و الهی وزیدن می‌گیرد. به‌هوش باشید و خود را در معرض نسیم‌های او قرار دهید.

۵. خیرخواهی خداوند:

در روایت آمده است:

«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا وَفَقَهُ لَانْفَازِ أَجَلِهِ فِي أَحْسَنِ عَمَلِهِ وَرَزَقَهُ مُبَادَرَةَ مَهْلِهِ فِي طَاعَتِهِ قَبْلَ الْفَوْتِ»^۳: هرگاه خداوند، خوبی بنده‌ای را بخواهد، به او توفیق می‌دهد تا عمرش را در بهترین کارهایش سپری کند و شتافتن در طاعت او پیش از فرارسیدن مرگ را روزی‌اش می‌کند.

۶. شرح صدر:

شرح صدر خدادادی، زمینه و عامل بسیار مهمی برای توفیق ما در عرصه هدایت‌پذیری است.

خداوند می‌فرماید: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ»^۴: آن‌کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای [پذیرش] اسلام گشاده می‌سازد.

۷. دعا و طلب خیر از خداوند:

امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ مَنْ اسْتَنْصَعَ اللَّهَ وَفَقَّ»^۵: ای مردم! هر که از خدا خیرخواهی طلبد، توفیق یابد.

۱. محمد: ۱۷.

۲. ابن ابی‌الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۱۱، ص ۱۳۵.

۳. غرر الحکم؛ ج ۳۳۹۰.

۴. انعام: ۱۲۵.

۵. نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی؛ ص ۲۷۰، خطبه ۱۴۷.

امام زمان علیه السلام می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ»: خدایا توفیق طاعت و دوری از معصیت را روزی ما بفرما.

۸. تلاش و جهاد برای خدا:

در هر زمینه‌ای که از خدا طلب توفیق می‌کنیم، باید تمام تلاش و توانمان را هم به کار بگیریم تا خداوند هم به حرکت ما برکت دهد.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«... مَنْ سَأَلَ اللَّهَ التَّوْفِيقَ وَلَمْ يَجْتَهِدْ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ...»: هر کس از خدا توفیق بخواهد، در حالی که تلاش نمی‌کند، خود را مسخره کرده است.

۹. دوری از دام‌های دنیا:

راه و وصول ما به توفیق رستگاری، کناره‌گیری از دام‌های فریبنده دنیای گناه و نافرمانی است. حضرت علی علیه السلام خطاب به دنیا می‌فرماید:

«هَيْهَاتَ! مَنْ وَطِئَ دَحْضَكَ زَلِقَ، وَمَنْ رَكِبَ لُجْحَكَ غَرِقَ، وَمَنْ اَزُورَ عَن حَبَائِلِكَ وَفُقَ»: ^۳ هیهات! کسی که در لغزش‌گاه تو گام نهاد، لغزید و آن‌که بر امواج [دریای] ژرف تو سوار شد، غرق گردید و هر بنده‌ای که از دام‌های دوری کرد، توفیق [رستگاری] یافت.

۱۰. عمل به علم خود:

اگر به علم خود عمل کنیم، خداوند امورمان را در مواردی که علم نداریم، بسنده می‌کند و این توفیق علمی و عملی بزرگی است؛ بنابراین مرحوم طبرسی ذیل آیه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ».

از ابن عباس روایت کرده که مفهوم آیه این است: کسانی که به علم و دانش خود عمل می‌کنند، ما آنها را هدایت و رهبری می‌نماییم به آنچه علم و دانش آن را ندارند و موفق می‌گردانیم ایشان را برای ازدیاد طاعات و عبادات تا ثواب و پاداش آنها افزون گردد.^۵

۱. مفاتیح‌الجنان؛ دعای حضرت مهدی علیه السلام.

۲. مجموعه ورام؛ ج ۲، ص ۱۱۰.

۳. نهج البلاغه؛ ص ۵۵۶، نامه ۴۶.

۴. محمد: ۷.

۵. تفسیر جامع؛ ج ۵، ص ۲۳۶ - ۲۳۷.

و در حدیثی آمده است: «مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ، وَرَثَهُ اللَّهُ عِلْمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»^۱: هر کس به آنچه که دانسته عمل کند، علم آنچه را که نمی‌داند، خدا برایش به ارث می‌گذارد.

۱۱. پیروی از خوشنودی خداوند:

خداوند می‌فرماید:

«يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۲.

خداوند به وسیله قرآن کسانی را که از رضا و خوشنودی او پیروی می‌کنند، به راه‌های سلامت هدایت می‌کند و از تاریکی‌ها به فرمانش به سوی روشنایی می‌برد و آنها را به راه راست رهبری می‌نماید؛ یعنی پیروی از فرمان الهی و جلب خوشنودی او، زمینه‌ساز هدایت و توفیق بنده مؤمن است.

۱۲. دینداری:

حضرت علی عليه السلام می‌فرماید:

«كَمَا أَنَّ الْجِسْمَ وَالظَّلْمَ لَا يَفْتَرِقَانِ، كَذَلِكَ الدِّينُ وَالتَّوْفِيقُ لَا يَفْتَرِقَانِ»^۳: همان‌گونه که جسم و سایه از هم جدا نمی‌شوند، دین‌داری و توفیق نیز از یکدیگر جدا نمی‌شوند. آری، دینداری منشأ توفیقات فراوانی است.

۱۳. یاری کردن دین خدا:

خداوند متعال می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۴: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر شما دین خدا را یاری دهید، خدا نیز شما را یاری می‌دهد و قدم‌های شما را ثابت و استوار می‌سازد. و توفیق اعمال صالح بیشتر و بهتری عنایت می‌فرماید.»

۱۴. استقامت در راه بندگی:

ما باید در دین‌داری و صراط مستقیم بندگی خدا استقامت کنیم و البته از خدا بخواهیم که توفیق استمرار حرکت و ثبات قدم و صبر در راه بندگی و اطاعت، عطا

۱. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب؛ ج ۱۰، ص ۱۶۶.

۲. مائده: ۱۶.

۳. غرر الحکم؛ ص ۲۰۳، ج ۴۰۰۶.

۴. محمد: ۷.

نماید و توفیقش برای ادامه راه همراهان باشد؛ چرا که بندگی دائمی نشانه توفیق در کسب خوشبختی است، آن‌چنان که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«دَوَامُ الْعِبَادَةِ بُرْهَانُ الظَّفَرِ بِالسَّعَادَةِ»^۱: عبادت دوام‌دار، دلیل قاطع دست‌یابی به خوشبختی است.

نیز می‌فرماید:

«غَايَةُ الْعِبَادَةِ الطَّاعَةُ»^۲: نهایت عبادت طاعت است و عبادت، توفیق اطاعت بیشتر را فراهم می‌نماید.

۱۵. سجده‌های طولانی:

از روایات استفاده می‌شود که سجده‌های طولانی در جلب نظر و توفیق الهی مؤثر است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«وقتی بنده، نماز به جا آورد و سپس سجده شکر نمود، پروردگار متعال پرده از میان او و ملائکه برمی‌دارد و می‌گوید: ای ملائکه من! به بنده من نظر کنید که فریضه مرا ادا نموده و عهد مرا به جا آورده؛ سپس برای شکر نعمت‌هایی که به او عطا کرده‌ام، مرا سجده کرده است. ملائکه من! کدام عطا سزاوار او است؟ ملائکه می‌گویند: رحمت تو. خداوند می‌فرماید: سپس چه؟ ملائکه می‌گویند: کفایت مهمات امور او. پروردگار می‌فرماید: سپس چه؟ هیچ یک از نعمت‌ها نمی‌ماند مگر اینکه ملائکه همه را می‌شمارند. باز خدای متعال می‌گوید: سپس چه؟ ملائکه می‌گویند: ما چیزی نمی‌دانیم. آن‌گاه خداوند متعال می‌فرماید: شکر او را به جا می‌آورم آن‌چنان که او شکر مرا به جا آورد و به فضل خود به او اقبال می‌نمایم و وجه خود را به او نشان می‌دهم».^۳ چه نعمتی از این بالاتر؟!!

۱۶. حلال‌خواری و پرهیز از حرام‌خواری:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ»^۴ هر کس چهل روز مال حلال بخورد، خداوند قلبش را نورانی می‌کند.

این نورانیت قلب، توفیقات معنوی و روحی فراوانی به همراه می‌آورد.

۱. غررالحکم؛ ص ۱۹۸، ح ۳۹۳۶.

۲. همان؛ ص ۱۸۲، ح ۳۴۰۵.

۳. وسائل الشیعه؛ ج ۷، ص ۶.

۴. عدّة الداعی؛ ص ۱۵۳.

فقره سوم: پاکی قلب از تیرگی‌های تهمت

وَ طَهَّرَ قَلْبِي مِنْ غِيَاهِبِ التُّهْمَةِ:

خدایا قلبم را از تیرگی‌های تهمت، پاک کن.

حال که به آخر مهمانی رسیدیم، از خداوند می‌خواهیم که دیگر هیچ چیز غیر از خودش را در قلب ما باقی نگذارد. می‌خواهیم حتی شبهات را هم از قلب ما پاک کند؛ چون وقتی بنده‌ای گناه می‌کند، قلبش تیره می‌شود. از خداوند می‌خواهیم قلب ما را از هر گناه و حتی شبهه و چیزهای مشکوک هم پاک کند.

دستورالعملی برای ترک گناه

دستورالعمل زیر برای ترک گناه و مطهر نگه‌داشتن قلب از هرگونه آلودگی مفید است.

۱. ترک زمینه گناه:

این خود زیرمجموعه‌ای دارد که مهم‌ترین آن عبارت از است:

الف) کنترل چشم: دقیقاً باید مواظب چشم خود بود که مبادا به نامحرم و کلا هر آنچه شهوت‌انگیز است، نگاه شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«النَّظْرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً»^۱
نظر دوختن تیری مسموم از تیرهای ابلیس است و چه بسا نگاهی که حسرت درازمدتی را [در دل] به ارث بگذارد.

تا حد امکان انسان از حضور در مجالس مختلط یا برخورد با نامحرم پرهیز نماید.

ب) کنترل گوش: باید از شنیدنی‌هایی که ممکن است به حرام منجر شوند و زمینه‌ساز حرام هستند، پرهیز شود؛ مانند نوار موسیقی، صدای شهوت‌انگیز نامحرم و ...

ج) ترک مصاحبت با دوستان ناباب: دوستانی که باعث می‌شوند انسان مزه گناه را مزه کند، در واقع دشمن هستند و باید از آنها پرهیز کرد.

از امام سجاد علیه السلام نقل شده:

«النهی عن مصاحبة خمسة و محادثتهم و مراقبتهم فی طریق و هم الکذاب و الفاسق و البخیل و الاحمق و القاطع لرحمه»^۲.

۱. سفینه البحار؛ شیخ عباسی قمی، ماده نظر.

۲. همان؛ ماده صحب.

حضرت از همراهی و سخن گفتن و رفیق‌بودن با پنج کس را نهی فرموده: کذاب، گناهکار، بخیل، احمق و کسی که قطع رحم کرده است. البته اینها از مهم‌ترین زمینه‌های گناه هستند که باید ترک شوند؛ ولی کلا هر چیزی که زمینه گناه را فراهم می‌کند، باید ترک شود.

۲. ترک فکر گناه:

ترک زمینه گناه سهم بسزایی در ترک فکر گناه دارد؛ از این رو هرچه بیشتر و دقیق‌تر زمینه گناه ترک شود، فکر گناه کمتر به سراغ انسان می‌آید. این فکر گناه است که شوق در انسان ایجاد می‌نماید و بعد از شوق، اراده عمل، سپس خود گناه محقق می‌شود. مسلماً تا اراده و شوق و میل نسبت به کاری نباشد، انسان مرتکب آن کار نمی‌گردد.

۳. اشتغال به برنامه شبانه‌روزی:

حتماً باید شبانه‌روز خود را با برنامه‌ریزی صحیح و متناسب وضع روحی و جسمی خود پر کنید و هیچ ساعت بیکاری نداشته باشید تا نفس شما را مشغول کند. در اوقات بیکاری و سوسه‌های نفس و شیطان به سراغ انسان می‌آید و او را به فکر گناه و سپس به خود گناه می‌کشاند.

قال امیرالمؤمنین علی علیه السلام:

«إِنَّ هَذِهِ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ فَمَنْ أَهْمَلَهَا جَمَحَتْ بِهِ إِلَى الْمَأْثِمِ»^۱: به راستی و حقیقت که این نفس [انسانی] پیوسته و مرتب به بدی امر می‌کند؛ در نتیجه هر کس آن را به خود واگذارد [و به کاری نگمارد]، نفس او را به سمت گناهان می‌کشاند.

۴. روزه گرفتن:

روزه گرفتن قوای حیوانی و شهوانی انسان را تضعیف می‌کند. اگر قوای شهوانی ضعیف گشت، قهراً فکر گناه هم کم‌رنگ می‌شود.

عن ابی جعفر علیه السلام قال: «إِذَا شَبِعَ الْبَطْنُ طَغَى»^۲: هرگاه شکم پر شود، طغیان می‌کند. مفهومش این است اگر شکم پر نشود، طغیان نمی‌کند و بهترین قسم جوع و گرسنگی همان روزه گرفتن است.

۱. الغرر والدرر؛ ج ۱، ص ۵۴۴، ح ۴.

۲. المحجة البيضاء؛ ج ۵، ص ۱۵۰.

۵. ورزش:

هر روز ورزش لازم است. البته آن ورزش‌هایی باشد که برای بدن ضرری ندارد؛ مثل نرم‌دویدن و نرم طناب‌زدن و انجام حرکت‌های کششی و اگر برای روزه‌گرفتن عذری هست، زمان ورزشی دو برابر شود؛ مثلاً از بیست دقیقه به چهل دقیقه افزایش یابد.

۶. فکر در مرگ:

این یکی دیگر از چیزهای بسیار مفید است که فکر گناه را یا از بین می‌برد و یا کم می‌کند که این به شدت و ضعف فرورفتن در فکر مرگ بستگی دارد. اگر انسان با این واقعیت انس بگیرد و مردن را باور دل سازد، نقشی سازنده و بالا برنده دارد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

«یاد کنید [مرگ را] درهم کوبنده لذات را و تیره و تلخ‌کننده شهوات را و دعوت‌کننده جدایی‌ها را»^۱.

یاد مرگ دل را از تعلق به شهوات جدا می‌سازد و انسان را از گناه و فکر گناه باز می‌دارد. آنچه بسیار مهم است، این است که اولاً: این فکر هر روز و مستدام باشد. اگر شبانه‌روزی نیم‌ساعت باشد، کافی است. ثانیاً: در مکان خلوتی باشد، به ویژه اگر آن مکان خلوت، محیط قبرستان باشد، به هر گونه که این فکر در مرگ با جان عجین شود و باور دل گردد، بسیار مطلوب است؛ مثلاً یکی از کیفیت‌های فکر در مرگ را یکی از بزرگان چنین می‌فرمود:

تمام خاطرات تلخ و شیرین گذشته را در حد امکان مثل یک فیلم از ذهن بگذرانند و به خود بباوراند که همه اینها گذشت و چند روز باقیمانده عمر هم می‌گذرد. لحظات جان‌دادن، وقتی که خویشان و نزدیکان را رها می‌سازد و از تمام تلخ و شیرینی‌ها وداع می‌کند و همه و همه را به خوبی تأمل کند تا دل بلرزند و چشم بگیرد.

سخن آخر این است که این دستورات وقتی نتیجه می‌بخشد که هر چه دقیق‌تر به آن عمل شود. زمان نتیجه آن بستگی به شرایط و خصوصیات افراد دارد؛ از این رو پیگیر زمان نتیجه نباید بود، فقط هم و غم صرف عمل به دستورات شود.

طهارت قلب از تاریکی‌های تهمت

غیاهب جمع غیهب به معنی ظلمت و تاریکی است.

۱. الغرر والدرر ج ۲، ص ۱۵۹.

تهمت‌هایی که ظلمت و تاریکی می‌آورد، دو نوع است:

۱. تهمت به خداوند متعال:

ظلمت و تاریکی تهمت گاهی ممکن است به سبب اتهام‌زدن به خداوند ایجاد شود که در واقع نتیجه نارضایتی به تقدیر و مشیت الهی است. همان‌گونه که در روایت آمده که خداوند خطاب به موسی فرمود: دشمن‌ترین افراد از خلق به من کسی است که به من تهمت می‌زند! حضرت موسی علیه السلام گفت: پروردگارا چه کسی به تو تهمت می‌زند؟ خداوند فرمود: آن کسی که به مصلحت او برایش، اموری را تقدیر کرده‌ام و او گمان می‌کند که اگر چنین نبود، بهتر بود و راضی به تقدیر من نیست و گاهی ظلمت و تاریکی قلب، به سبب اتهام واردکردن به بندگان خدا ایجاد می‌شود که در زمره گناهان کبیره به شمار می‌رود.

تهمت به خداوند متعال را قرآن مکرر نقل فرموده است.

۲. تهمت به مردم

قسم دوم، تهمت به مردم است. تهمت به مردم خود بر دو نوع است که شامل عمومی و شخصی می‌باشد. تهمت به مردم از حیث عمومی، آن است که انسان یک قوم، نژاد، ملیت و یا باورمندان به یک دین را متهم کند. لطیفه‌ها و جوک‌هایی که در مورد اقوام مختلف در ایران گفته می‌شود، از مصادیق بارز این تهمت‌های عمومی به مردم است. نوع دیگر تهمت به مردم، تهمت شخصی می‌باشد که شخص خاص، در نظر گرفته شود.

همه این تهمت‌ها (تهمت به خداوند و تهمت به مردم، عمومی و شخصی) باعث به وجود آمدن تیرگی و تاریکی می‌شود و روزه‌دار در این روز از خداوند می‌خواهد قلب او را از تیرگی تهمت‌ها، پاک کند.

ابی‌بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ سؤال ابوذر غفاری که پرسید: ای رسول خدا غیبت چیست؟ حضرت فرمودند: غیبت آن است که یاد کنی از برادر دینی‌ات به آنچه خوش ندارد.

ابوذر پرسید: پس اگر آنچه ذکر می‌شود، در او باشد؟ حضرت فرمودند: بدان آنچه را که در مورد او می‌گویی، اگر در او باشد، به تحقیق که غیبت است و هنگامی که یاد کنی از او به آنچه در او نباشد، همانا تهمت است.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «هنگامی که انسان مؤمن به برادر دینی‌اش تهمت روا دارد، ایمان از قلبش جدا می‌گردد؛ همان‌گونه که نمک در آب حل می‌شود».^۱ در نتیجه پرهیز از اتهام به خدا و خلق خدا و خود، قلب از تاریکی‌های تهمت، طاهر و پاک می‌گردد.

مصادیق حقیقی قلوب طاهر

اهل بیت علیهم السلام به نص قرآن کریم، مصداق قلب طاهر به شمار می‌روند: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا».^۲ این‌ها معمولاً برای حصر به کار می‌رود و دلالت بر ویژگی این موهبت برای خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد و «یُرید» اشاره به اراده تکوینی خداوند در مورد این خانواده است. به تعبیر دیگر اهل بیت علیهم السلام به دلیل تأییدات الهی و اعمال پاک خویش چنان هستند که در عین داشتن قدرت و اختیار برای گناه‌کردن، به سراغ آن نمی‌روند و حتی فکر گناه نمی‌کنند و این حالتی است که از درون وجودشان بر اثر آگاهی و مبادی فطری در آنها می‌جوشد، بی آنکه اجبار و اکراهی در میان باشد. «رجس» به معنی شیئی ناپاک است، خواه ناپاک از نظر طبع آدمی باشد، یا به حکم عقل و شرع و یا همه اینها و تطهیر به معنای پاک‌ساختن و در حقیقت تأکید است بر مسئله اذهاب رجس و نفی پلیدی‌ها و مراد از اهل بیت، خمسه طیبه؛ یعنی پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام می‌باشند و البته این طهارت و پاکی بنا بر اعتقاد ما شیعیان، کلیه امامان معصوم را در برمی‌گیرد.^۳

فقره چهارم: رحمت خدا بر اهل ایمان

يا رَحِيمًا بَعْبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ:

ای خدای بخشایشگر بر اهل ایمان.

این سؤال در ذهن تداعی می‌شود که چرا رحمت را اختصاص به مؤمنین قرار داده است، در حالی که رحمت خدای متعال فراگیر و عمومی است؟ برای درک بهتر موضوع باید گفت: برای خدای تعالی دو قسم رحمت است:

۱. رحمت عام که مؤمن و کافر، نیکوکار و فاجر، باشعور و بی‌شعور، همه به وسیله آن به وجود آمده و از ابتدای هستی در مسیر وجودشان مادامی که وجود دارند، به وسیله آن روزی می‌خورند.

۱. میزان الحکمه؛ ج ۱، ص ۵۳۸.

۲. احزاب: ۳۳.

۳. تفسیر نمونه؛ ج ۱۷، ص ۲۹۳-۲۹۲.

۲. رحمت خاص که خود عطیه‌ای است که خداوند آن را تنها به کسانی می‌دهد که دارای ایمان و عبودیت باشند؛ مانند حیات طیبه و زندگی نورانی در دنیا و جنت و رضوان در آخرت که کفار و مجرمین به دلیل کفر و جرمشان از آن بهره‌ای ندارند.^۱ و بنابراین رحمت خاص الهی که ویژه مؤمنان است، کسی را فرا می‌گیرد که در مسیر زندگی خود، در سایه طاعت خدا موجبات رضایت او را فراهم کرده و با پرهیز از گناه و معصیت مقام عصمت و عدالت را کسب نموده و دارای روح و جانی نورانی و پاک از تاریکی‌ها و ظلمت اتهام به خدا و خلق خدا باشد.

شرط رسیدن به رحمت الهی در چیست؟

رحمت به دو قسم رحمت عام و رحمت خاص تقسیم می‌شود. رحمت عام همه موجودات را دربر می‌گیرد؛ حتی انسان کافر و گنهکار نیز از رحمت عام الهی بی‌نصیب نیست؛ همچون نعمت حیات و زندگی که هم کافر و هم مؤمن را دربر می‌گیرد؛ ولی رحمت خاص الهی تنها شامل بندگان صالح و شایسته حضرت حق تعالی می‌شود. منظور از رحمت خاص الهی در دنیا؛ یعنی حیات طیبه و زندگی کردن در صراط مستقیم و در آخرت رسیدن به بهشت و رضوان الهی است. از خداوند رحمن و رحیم می‌خواهیم و به رحمت و اسعاهش قسمش می‌دهیم که با وجود این که بنده‌های خوبی برای او نبودیم؛ نصیبی از رحمت و اسعاهش ما را برخوردار کند؛ چرا که خودش در قرآن می‌فرماید: نباید از رحمتش ناامید بشویم؛ هر چند که گناه کار باشیم.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «خدای تعالی را صد رحمت است که یکی از رحمت‌ها را بر زمین نازل کرد و در میان مخلوقات پخش کرد؛ هرچه عاطفه و رحم است، از همان یک جزء رحمت است و نود و نه رحمت را به تأخیر انداخت تا روز رستاخیز تا در آنجا بندگان را مورد رحمت قرار دهد».